

خبر کوتاه

باقری هم مشتاق به جدایی از پرسپولیس بود؟

کریم باقری رسماً به عضویت کادرفنی تیم ملی درآمده و این می‌تواند به منزله پایان کار او در پرسپولیس باشد. اگرچه فعلاً تصمیم بر آن شده که باقری همزمان در باشگاه و تیم ملی حضور داشته باشد، اما طبیعتاً با پایان فصل و مخصوصاً اگر تیم ملی به مرحله بعدی مسابقات مقدماتی جام‌جهانی صعود کند، شرایط تغییر خواهد کرد. در این صورت هیچ بعید نیست قرارداد کریم که پایان فصل به پایان می‌رسد، تمدید نشود. واقعیت آن است که بر خلاف رُستی که مدیران پرسپولیس در قبال جدایی (ولو پاره‌وقت) باقری گرفتند، این اتفاق زیاد هم برای کادر مدیریتی و مخصوصاً کادرفنی ناگوار نبوده ست. نکته اینجاست که از زمان تغییر سرمربی، ظاهراً نقش کریم هم در تمرینات و حتی مسابقات کم‌رنگ‌تر شده. تنها کافی است گزارش تصویری‌های منتشر روی سایت رسمی باشگاه پرسپولیس را مرور و آنها را با نیم‌فصل اول یا فصل قبل مقایسه کنید. در این صورت روشن خواهد شد باقری قبلاً چقدر در تمرینات فعال‌تر بود. او در طول برگزاری مسابقات هم بیشتر لب خط می‌آمد، اما حالا اغلب این کارها را مطهری انجام می‌دهد و چه بسا حضور سرپرست تیم یعنی افشین پیروانی در کنار زمین، جدی‌تر از باقری بوده است. در مجموع این احساس وجود دارد که پیشنهاد تیم ملی درست به موقع برای کریم باقری رسیده، در شرایطی که هیچ‌یک از طرفین اشتیاق سابق را برای همکاری نداشتند.

واکنش‌های ضد و نقیض به بستری شدن فتح‌الله‌زاده

چند روز گذشته خواهرزاده سرپرست باشگاه استقلال با انتشار تصویری خبر از بیماری آنفولانزای دایی‌اش داد. خبر بیماری فتح‌الله‌زاده البته مربوط به دیروز نیست و چند روزی می‌شود که نزدیکان سرپرست استقلال از کسالت او خبر داده بودند. منتهی تصویر منتشر شده از فتح‌الله‌زاده سولایتی را در فضای مجازی و کانال‌های تلگرامی هوادار استقلال منتشر کرده است. یکی از این سولالت، در اصل واکنشی به ادعای جعفر نوجوان خواهرزاده فتح‌الله‌زاده است که با انتشار عکس دایی‌اش نوشته بود: «حاجی سه روز است با کسی حرف نزده» یکی از کانال‌های تلگرامی طرفدار استقلال در واکنش به این عکس و کپشن نوشته: جالب اینجاست که دو شب قبل جلسه هیات مدیره باشگاه با حضور فتح‌الله‌زاده، منزوی و خلیل‌زاده برگزار شده بود! از سوی دیگر عده‌ای پس از تماشای عکس منتشر شده در حالت بیماری فتح‌الله‌زاده می‌پرسند که اگر حاجی سه روز است با کسی حرف نزده، چرا موبایل در دست دارد؟! حتی تردیدها تا جایی پیش رفته که می‌گویند نشانه بیماری آنفولانزا تب و لرز است اما حاجی پیراهن آستین‌کوتاه به تن دارد و نشانه مریضی در چهره‌اش دیده نمی‌شود.

بدهی ؛ محصول بی‌مسئولیتی تاریخی
فَرشاد کاسِ نواد
برونده‌های شکایت مربیان و بازیکنان خارجی در باشگاه‌های ایرانی دوباره آنچنان شارجه شده که دیگر جای هیچ بحثی درباره سوم‌مدیریت در این باشگاه‌ها باقی نمی‌گذارد. مدیران این باشگاه‌ها مشغول تقصیر در این پرونده‌ها هستند اما همه می‌دانیم که آنها با تصمیمات مشابه چنین پرونده‌هایی را رجا گذاشته‌اند و هیچ‌یک‌دام از مدیران سال‌های اخیر این باشگاه‌ها تفاوتی در نوع بجا گذاشتن انبوهی از بدهی‌ها ندارند.باشگاه‌هایی مثل استقلال و پرسپولیس آنچنان درگیر پرونده شکایت مربیان و بازیکنان سابق خود هستند که نمی‌دانیم چطور ممکن است از یک محصمه بگذرند.احتمال محرومیت از پنجره نقل و انتقالات و حکم پرداخت خسارت‌های بیشتر وجود دارد و این سرنوشت باشگاه‌هایی است که از ایجاد هزینه بیش از بنیه اقتصادی رها نمی‌نارزند و همچنان مشغول تکرار همین رفتار مالی هستند. استقلال و پرسپولیس در آخرین پرده با دو مربی خارجی اخیر خود به دادگاه می‌رسند و استراماچونی و کالدرون فقط آخرین نمونه از این ماجرا هستند و پیش از اینها برانکو ایوانکوویچ و وینفرد شفر و بسیاری بازیکنان خارجی در هر دو تیم پرونده در دادگاه ساخته‌اند اما دریغ از کوچک‌ترین تغییر رفتار در این باشگاه‌ها. مسأله اقتصادی باشگاه‌ها هر روز پیچیده‌تر می‌شود اما باشگاه‌ها همچنان ولع خرید دارند، همچنان به تعداد پرونده‌های می‌افزایند و هرگز خیال تغییر روش ندارند. این اصرار به اشتباه بیش از آن عجیب‌ها مایه تعجب و حیرت است. فدراسیون فوتبال همین چندنی پیش برای ارائه اطلاعات دروغین به کنفدراسیون فوتبال آسیا و صدور مجوز جعلی حرفه‌ای برای باشگاه‌ها جریمه شد و در فصل آینده نمی‌تواند این روش خود را تکرار کند که برای باشگاه‌های به‌دکار مجوز حرفه‌ای صادر کند. این به خطر رایی فصل آینده لیگ برتر و لیگ‌های دیگر است با باشگاه‌هایی مواجه می‌شویم که دیگر مجوز فعالیت نخوانده‌اند. داشت، این نکته بدهی‌ها را هنوز فوتبال ایران باور نکرده و احتمالاً همچنان در سر دارند که با اطلاعات دروغین پیش بروند اما آیا دیگر ممکن است؟ باشگاه‌ها در میان این همه خبر محکومیت و محرومیت همچنان درباره تغییر روش باشگاه‌داران حرفی نمی‌زنند و اگر فرصت داشتند چند بازیکن خارجی دیگر را گزاف می‌خریدند و به جز قسط اول و هزینه نقل و انتقال و درصد مدیر برنامه‌های بازیکن، بقیه را پرداخت نمی‌کردند. شما به چنین روندی مشکوک نمی‌شوید؟ نمی‌پرید؟ به پشت پرده این نقل و انتقالات چیست؟ شک نمی‌کنید که چرا بدون توانایی پرداخت همچنان قرارداد می‌بندند و ذره‌ای نگران فردای باشگاه نیستند؟ آخرین مدیران استقلال و پرسپولیس، امیرحسین فتحی و محمدحسن انصاری‌فرد بودند. آنها نیز انبوهی بدهی جا گذاشتند و به هیچ‌شس پاسخگو نیستند که چرا و چگونه با چه پشتوانه‌ای باشگاه‌ها را به ورشکستگی نزدیک کردند؟ آنها آخرش طلبکار و مدعی از این باشگاه‌ها نفراتند. جانشین‌های آنها نیز کسانی هستند که مسئولیت می‌پذیرند چون می‌دانند مسئولیتی برعهده‌شان نیست و می‌توانند دوباره بدهی‌های تازه خلق کنند و سرانجام مدعی و طلبکار جدا شوند.

محمد کرارگزلو

شاید از روز نخست حضور محمدحسن انصاری‌فرد در رأس باشگاه پرسپولیس بره‌مه عیان شده بود که آب او با هیأت مدیره این باشگاه در یک جوی نمی‌رود. در داستان جدایی کالدرون و حاشیه‌های این اتفاق، جزئیات بسیاری نصیب رسانه‌ها و هواداران شد تا مشخص شود آقای مدیرعامل با هیأت مدیره به شدت مشکل دارد و این اختلاف علناً و عملاً به ضرر پرسپولیس تمام خواهد شد.

در ظاهر امر اینگونه به نظر می‌رسید که هیأت مدیره در کار مدیرعامل سنگ‌اندازی می‌کند و اجازه فعالیت‌های اقتصادی و ورزشی او را گرفته. در این میان برخی پیشکسوتان هم به کمک انصاری‌فرد آمدند تا جو عمومی علیه هیأت مدیره باشگاه شود. حتی زمانی که انصاری‌فرد در تلویزیون از استعفاي خود خبر داد و دلایل این اتفاق را برشمرد نیز غالب هواداران پرسپولیس بر این باور شدند که مدیرعامل برحق است و هیات مدیره با انواع و اقسام ظلم‌هایی که در حق او کرده، تیشه برداشته تا در ریشه پرسپولیس بزند. با این حال آمار و حقایقی فاش شده که مشخص می‌کند انصاری‌فرد در دوران حدوداً ۷ ماهه مدیریت‌اش گاف‌های اقتصادی وحشتناکی مرتکب شده تا مشخص شود هیأت مدیره حق دارد بعد از استعفاي تلویزیونی انصاری‌فرد از او توضیح بخواهد. انصاری‌فرد در دوران مدیریتش در باشگاه پرسپولیس ۳۰ میلیارد تومان چک کشیده. چک‌های ذی‌حسابی وزارت اقتصاد. اما نکته اینجاست که شما وقتی اجازه برداشت از پول حساب خزانه را دارید که نامه کتبی داشته باشید. انصاری‌فرد این چک‌ها را خرج کرده بدون اینکه برای یکی از آنها مصوبه هیأت مدیره را در اختیار داشته باشد و آنها را در جریان بگذارد. برخلاف آنچه گفته شد شرکت آتیه داده پرداز مجری یا عامل اسپانسر نیست بلکه خودش اسپانسر است و کل برند پرسپولیس را در اختیار گرفته و سود عجیب و غریبی از قراردادها می‌برد. انصاری‌فرد مصاحبه‌ای داشت و اعلام کرد پولی که هواداران از طریق سامانه‌های هواداری و با

هروهیه میلیج در آخرین و تازه ترین مصاحبه اش اعلام کرده برخلاف آنچه در روزهای اخیر شایعه شده به محض شروع تمرینات استقلال برمی گردد و مثل یک فوتبالیست حرفه‌ای قصد ندارد برخلاف قراردادش رفتار کند. در کنار این موضوع بازیکن کروات استقلال به یک موضوع هم اشاره کرد که نشان می‌دهد مدیران باشگاه مانند اغلب موارد با هواداران و رسانه‌ها صادق نبودند و تکذیب‌های آنها و خبرهای رسمی‌شان اسنادن موفق و بی برو و برگرد نیست!

وقتی در تعطیلات نیم فصل خبر رسید که میلیج قصد دارد قراردادش را فسخ کند و این موضوع را هم رسماً به باشگاه اعلام کرده است، فوراً مدیران استقلال اعلام کردند این موضوع امکان پذیرنیست و هیچ بند یا شرطی که میلیج بتواند بر اساس آن یک طرفه فسخ قرارداد کند وجود ندارد. حالا چند ماه پس از آن ماجرا میلیج افشا می‌کند که در نیم فصل طبق بندی در قراردادش می‌توانسته جدا شود، اما به قراردادش پایبند بود و به تهران بازگشت. درست مثل شیخ دیاباته که محمد نوری فر به خاطر فسخ نکردن یک طرفه قراردادش با وجود داشتن شرایط انجام این کار،همچنان به باشگاه متعهد مانده است.

جالب اینکه همچنان مدیران استقلال درباره این دو بازیکن مدعی هستند که قرارداد سال دوم آنها بدون هیچ بند و شرطی قطعی نیست و نیازی به به توافق تازه یا تمدید آن وجود ندارد. حرف ادعایی که همه را به یاد حرف‌ها و ادعاها و قول‌های نادرست و عمل نشده مدیران باشگاه در دوره‌های گذشته می‌اندازد. وقتی افتتاحی و توفیقی از ماندن مامه بابا تیم و جباروف گفتند و اخبار و شایعات درباره جدایی آنها را تکذیب می‌کردند و البته وقتی که فتحی و خطیر فروش الپیار سیامدهشن را تکذیب کردند و از ماندن قطعی آیندا توفیقی رها دادند.

وقتی مدعی شدند برکناری وینفرد شفر بی‌هزینه و بدون دردرس وقتی قراردادش را فسخ کند و این موضوع را هم رسماً به باشگاه اعلام کرده است، فوراً مدیران استقلال اعلام کردند این موضوع امکان پذیرنیست و هیچ بند یا شرطی که میلیج بتواند بر اساس آن یک طرفه فسخ قرارداد کند وجود ندارد. حالا چند ماه پس از آن ماجرا میلیج افشا می‌کند که در نیم فصل طبق بندی در قراردادش می‌توانسته جدا شود، اما به قراردادش پایبند بود و به تهران بازگشت. درست مثل شیخ دیاباته که محمد نوری فر به خاطر فسخ نکردن یک طرفه قراردادش با وجود داشتن شرایط انجام این کار،همچنان به باشگاه متعهد مانده است.

فرشاد کاسِ نواد

سازمان لیگ با هماهنگی ستاد مبارزه با ویروس کرونا برنامه ۳ هفته آینده بازی‌های لیگ برتر و یک بازی معوقه از هفته هفدهم را اعلام کرد و تیم‌ها باید از ۱۴ فروردین‌ماه در لیگ بازی کنند اما اعلام این برنامه هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده برگزاری بازی‌ها باشد، چون هیچ‌کس نمی‌تواند تضمین دهد که در ۱۴ فروردین‌ماه امکان برگزاری مسابقات ورزشی حتی بدون تماشاگر در ایران وجود داشته باشد. نکته عجیب اینکه ساعتی پس از اعلام برنامه لیگ برتر، جلسه ستاد عالی مقابله با کرونا در ورزش به ریاست وزیر ورزش و جوانان برگزار شد و دستور این جلسه نام‌توغم فعالیت‌های ورزشی تا پایان فروردین بود.

برگزاری بدون تماشاگر بازی‌ها راهکاری بود که با توجه به پراکنش کرونا در ایران ممکن

نشد، چون برگزاری بازی‌ها برای بازیکنان، مربیان،

داوران، عوامل اجرایی مسابقات و خبرنگاران و تصویربرداران نیز خطرناک بود. بنابراین در فروردین‌ماه نیز اگر همچنان شیوع ویروس کرونا

روزنامه‌صبح ایران

استیجاری

با پرسپولیس چه کردی آقای انصاری‌فرد؟



کمک اپراتورهای مختلف مثل ایرانسل و رایتل به باشگاه کمک می‌کنند مستقیماً به حساب باشگاه می‌رود، در صورتی که اینگونه نیست و این پول‌ها ابتدا به حساب آتیه داده پرداز می‌رود، ۳۰ درصد از آن کسر می‌شود و بقیه‌اش به باشگاه می‌رسد. شرکت آتیه داده پرداز بابت ۱۵ میلیارد تومانی که به باشگاه پرسپولیس پول پرداخت کرده از این باشگاه چک گرفته‌است در حالی که همه می‌دانیم وظیفه ذاتی اسپانسر کمک مالی به باشگاه است و قاعده‌ت باشگاه نباید در قبال این کمک چکی در اختیار اسپانسرش قرار بدهد. جالب اینکه شرکت مزبور چک‌های دریافتی از باشگاه را تقسیط کرده و با در نظر گرفتن حساب خالی باشگاه، در حال برگشت زدن آنهاست.

انصاری‌فرد در بدو دوران دوم مدیریتی‌اش در باشگاه پرسپولیس اعلام کرد طی قراردادی که با شرکت آتیه داده پرداز بسته شده این باشگاه سالانه ۱۵۰ میلیارد تومان درآمد خواهد داشت. از این یک سال ۷ ماه گذشته و ۵ ماه دیگر باید ۱۵۰ میلیارد تومان در حساب باشگاه باشد اما باشگاه تاکنون از این راه حتی هزار تومان درآمد نداشته. در عین حال این پرسش وجود دارد که اصلاً چه تعهدی وجود دارد تا این شرکت رقم مذکور را پرداخت

پنهان کاری‌هایی که یکی یکی رو می‌شود

خواهد بود. وقتی فتحی جدایی قریب الوقوع استراماچونی را تکذیب کرد و وعده داد لیگ نوزدهم که هیچ طبق قراداد ۲ساله این مربی موفق ایتالیایی در لیگ بیستم هم سرمربی استقلال خواهد بود. وقتی خلیل زاده و خطیر همراه با رحمان رضایی به دوحه رفتند تا به قول خودشان برای بازگرداندن استراماچونی مذاکره کنند اما بعد مشخص و افشا شد که اصلاً از این خبرها نبوده و در قطر به دنبال جانشین استرا بودند نه برگرداندن او و در آن یک هفته کلا رسانه‌ها و هواداران سر کار بودند!

دروغ ۲۵ هزار دلاری!
این روال مانند ۶-۵ سال اخیر همچنان در استقلال ادامه دارد و مدیران باشگاه راست و دروغ را بهم می‌یافند و صبح یک حرف می‌زنند و عصر نشده حرف شان را عوض می‌کنند. مدیران یک موضوع را رسمی اعلام می‌کنند و فردایش یکی تکذیب می‌کند و خلاف آن را می‌گوید. برای نمونه بالاخره نفهمیدیم باشگاه از اسپانسر چند ده میلیون طلبکار است که طبق اعلام موسوی چند وقت پیش تازه بخانه از آن را داد یا این باشگاه است که پول‌ها را تا یکی دوسال بعد از پایان دولت یازدهم هم خرج و پیش خور کرده است!متوجه نشدید بدهی باشگاه به پاختاکور آن طور که فتح الله زاده می‌گوید ۱۲۵ هزار دلار است یا ۱۰۰ هزار دلاری که خطیر به عنوان مسئول وقت باشگاه اعلام می‌کند و اختلاف ۲۵ هزار دلاری از کجا و چطور پیش آمده و مشخص نیست این دروغ ۲۵ هزار دلاری از طرف چه کسی است؟ مشخص نشده ازیک‌ها شکایت کرده‌اند و نامه فیفا آمده یا نامه و تهدیدی در کار نیست! در استقلال همچنان بر همان پاشنه می‌چرند و به شایعات و شنیده‌ها باید بیشتر از اعلام و گفته‌های مسئولان بها داد و جدی گرفت. قدیم ترها وقتی باشگاه یا مسئولی یک خبر یا موضوع را اعلام می‌کرد فصل الخطاب بود و صحت و درستی اش رد خور نداشت اما چند سالی است که دروغ گویی، پنهان کاری به

لازم نیست این‌بار با برنامه باشید!

در ایران به پایان نرسیده باشد، بازهم امکان برگزاری بازی‌ها وجود نخواهد داشت. اعلام این برنامه اما تیم‌ها را دچار یک بحران تازه کرد، چون حالا آنها مجبورند برای بازی در میانه فروردین‌ماه، تمرینات خود را شروع کنند و شروع تمرینات در شرایط فعلی منطقی نیست. محل تمرین می‌تواند برای بازیکنان و مربیان خطرناک باشد و اگر برای حفظ سلامت آنها رای به تعطیلی مسابقات داده شده، بنابراین تمرین کردن نیز مقدور نیست. در شرایطی که حتی بیمارستان‌ها امکانات کافی برای تست گرفتن از بیماران مشکوک به کرونا ندارند، بنابراین تیم‌ها نیز نمی‌توانند با تست بی در پی از بازیکنان و مربیان تمرینات خود را برگزار کنند. بازی از ۱۴ فروردین بدون تمرین اما چگونه ممکن می‌شود؟

لیگ برتر با توجه به بازی‌های تیم‌های ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا و به رغم تعویق بازی‌های نیم ملی ایران در راه جام جهانی فرصت چندانی برای برگزاری ندارد و در شرایطی که هنوز کنفدراسیون

با کار اقتصادی به باشگاه کمک می‌کند در صورت آگاهی از مشکلات و موارد بالا مایوس و دلسرد شود. ضمن اینکه این نقد جدی هم به انصاری فرد وارد است که مگر وقتی او مدیرعامل شد و ادعای حل مشکلات و تزریق ۱۵۰ میلیارد تومان به باشگاه داشت از اعضا و ترکیب هیأت مدیره خبر نداشت؟

انصاری‌فرد در حالی به عقد قرارداد با بانک گردشگری به عنوان اسپانسر می‌بالد که مقرر شده باشگاه پرسپولیس به ازای سه سال همکاری با این بانک ۱۵ میلیارد تومان دریافت کند. این در حالی است که باشگاه پرسپولیس در دوران مدیریتی رویانیان با همین بانک قراردادی به ارزش ۵/۵ میلیارد تومان برای یک فصل بسته بوده. حالا تصور کنید ۵/۵ میلیارد سال ۹۲ و ۵ میلیارد سال ۹۸ چقدر با هم تفاوت دارند ضمن اینکه به این نکته هم می‌شود دقیق شد که در سال سوم قرارداد مذکور ۵ میلیارد تومان واقعا چقدر ارزش مالی خواهد داشت؟

از سوی دیگر بخش قابل توجهی از این ۱۵ میلیارد تومان نصیب آتیه داده پرداز خواهد شد و این پرسش مطرح است که اصلاً چرا باید این اتفاق بیفتد؟ آیا وقتی باشگاه پرسپولیس ادعا دارد که ۱۰۰ میلیارد دیگر عقب می‌افند چون هزینه‌های جاری باشگاه هرگز متوقف نمی‌شود.

رسول پناه که به عنوان رئیس هیأت مدیره به باشگاه اضافه شد و حالا در نقش سرپرست، باشگاه را اداره می‌کند دو میلیارد تومان از حساب شخصی خودش به باشگاه کمک کرده است. مهرداد هاشمی دیگر عضو هیأت مدیره که ظاهراً با انصاری‌فرد دعوی لفظی داشته هم عامل رساندن ۷ میلیارد پول به باشگاه بوده که از طریق عقد قرارداد با شرکت ریحان فیلم حاصل شده و پیشخور هم شده است. حتی اگر رسول پناه دندانپزشک وزیر هم باشد یا مهرداد هاشمی با انصاری فرد دچار اختلاف شود اینکه هر دو عضو هیأت مدیره به باشگاه پولی رسانده‌اند قابل کتمان نیست و بالا گرفتن مشکل و اختلافات با آنها، اعضای هیأت مدیره را برای کمک بیشتر دچار یأس می‌کند. در واقع باید منصف بود و این نکته را در نظر گرفت که حتی اگر هواداری



بخشی جدا نشدنی از مدیریت تبدیل شده و همین موضوع بحران بی‌اعتمادی و از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی را به دنبال داشته است.

تمام مصاحبه و گفتگوهای فتح الله زاده، علی خطیر، پندار توفیقی، رضا افتخاری، استراماچونی، حسن زمانی، شفر، عبدالرضا موسوی، کامران منزوی، میرشاد ماجدی، خلیل زاده، محمد نوری فر، پرویز مظلومی، فرهاد مجیدی، همدانی، فتحی، پاتوسی، زرینچه، احمد سعادتمند، بهرام افشار زاده، امیر قلعه نویی و دیگران را در همین یکی دوسال اخیر مرور کنید، انقدر افتخاگر، روشنگری و ضد و نقیض و دروغ در لایه لای آنها پیدا می‌کنید که پرداختن به آنها حوصله سوز و زمان بر است.

استقلال تا زمانی که به این شکل و در پشت پرده و با مخفی کاری و دروغ اداره شود راه به جایی نخواهد بود. همان دروغ‌ها وحرف‌ها عده‌های سرکاری که امثال استراماچونی قبل از آن تیم و جباروف و جیری ساناک را از استقلال فراری داد و شاید این بار نوبت به امثال میلیج و شیخ دیاباته برسد!

اخبار

مجیدی، امیر می‌شود یا علیمنصور؟

حمیدرضا عریب

فرهاد مجیدی در شرایطی که کارش را به‌عنوان سرمربی در استقلال آغاز کرده که علاوه بر تحمل سنگینی سایه استراماچونی که توانسته بود روزهای باشکوهی برای این تیم رقم بزند و به اوج محبوبیت برسد، باید با سنت همیشگی تغییرات در کادر فنی نیز در ستیز باشد. استقلال در ۶ سال اخیر به‌واقع کانون تغییرات بی‌دربی بوده؛ چه در بخش فنی که اکنون مجیدی در رأس آن قرار دارد و چه در حوزه مدیریتی که در این نقطه نیز تغییرات فراوان بوده و آبی‌ها مدیران متعددی را به خود دیده‌اند. فرهاد اما برای رسیدن به این موقعیت باتیات، کاری بس دشوار پیش‌رو دارد؛ شاید چیزی شبیه به آنچه امیر قلعه‌نویی در سال‌های آغازین حضورش در استقلال پیمود. آن روزها که امیر به قول کامران منزوی آمده بود تا تنها مربی موقتی باشد تا سران وقت این باشگاه در زمان مناسب گزینه مطمئن‌تری را روی صندلی مربیگری خود بنشانند توانست با خلق نمایشی تماشاجر پسند و به‌کارگیری برخی سیاست‌های رفتاری وکلاهی هواداران را با خودش همسو و هم‌نظر کند؛ مدیران باشگاه را از حسی به تغییر سرمربی منصرف سازد و یک فرصت ۳ساله را اخذ کند؛ چیزی که تا به امروز هیچ‌یک از مربیان پس از او به آن دست نیافته و حتی برای خودش نیز در دوره‌های اخیر مربیگری در استقلال هرگز تکرار نشده. قلعه‌نویی البته در بخش فنی نیز تیم‌های را روانه رقابت‌های لیگ برتر می‌کرد که بازی جذابی را به نمایش می‌گذاشتند؛ فوتبالی هجومی و برخوردار از یک روح جهشی قابل ستایش. در کنار آن سیاست‌های گفتاری و نزدیک به قلب هواداران این حفظ ویژگی بازی‌های هجومی بود که توانست ۳ سال فرصت را برای سرمربی آن روزهای استقلال ایجاد کند تا او صاحب عنوانی بارزش شود؛ پرسچی که بعدها اسباب خسورش در تیم ملی را فراهم کرد و پیشنهادهای درشتی از دیگر مربیان نیز برایش به ارمغان آورد. به گواه آمار می‌توان گفت هیچ‌یک از مربیان ایرانی نتوانستند بعد از امیر به چنین موقعیتی در استقلال دست یابند و سال‌ها در این باشگاه صاحب فرصت شوند. حتی منصوریان نیز که در نفت تهران درخشیده و با عزت به استقلال آمد در میان امواج خروشان استقلال غرق شد و هرگز نتوانست کسی باشد مانند امیر قلعه‌نویی که هم از محبوبیت نسبی برخوردار باشد و هم از یک پس‌زمینه فنی ایده‌آل. فرهاد مجیدی نیز امروز در موقعیتی است که اگر اشتباه کند به سرنوشت منصوریان دچار می‌شود و اگر راه را درست طی کند شاید بتواند با به‌کارگیری یکسری فوت و فن به آن نقطه‌ای که سال‌ها قبل امیر دست یافت، برسد. مجیدی برای رسیدن به چنین موهبتی باید در وادی کلام و برقراری ارتباط با مخاطبان خود کاملاً هدفمند پیش برود. اگر مجیدی بتواند به مسأله‌ای که در سال‌های اخیر استقلال را آزار داده بی‌دربی اشاره کند و این موضوع را که چرا استقلال همواره کانون تغییرات در بخش‌های گوناگون بوده و رقیب سنتی همواره از ثبات در بخش فنی بهره‌مند بوده شاید در دایره سیاست کلامی به دستاوردهای مهمی برسد و بتواند هواداران را نیز با خود همسو کرد و در نتیجه خود نیز زمان بیشتری برای ادامه مربیگری بگیرد. از یاد نمی‌بریم که امیر قلعه‌نویی با وجود جوانی با چه ادبیات تأثیرگذاری هواداران را نیز با خود همراه می‌نمود و گاه به دست‌های پشت پرده اشاره می‌کرد و گاه به اشتباه‌های کشنده داوری. مجیدی نیز اگر همین شبهه‌سیاست را در پیش بگیرد شاید لاقل در وادی سیاست کلامی به آن نقطه دلخواه برسد. فرهاد در بخش فنی شاید کار چندان سختی پیش‌رو نداشته باشد تا همچون آن دوران برای تماشاکاران استقلال بازی هجومی و جذاب به ارمغان بیاورد. استراماچونی از خود ارثیه‌ای باقی گذاشته عمیقاً گرانبها که فرهاد تنها باید هنر حفظ آن را داشته باشد وگرنه این استقلال از لحاظ هجومی حتی می‌تواند از استقلال باشکوه حد فاصل لیگ پنجم تا لیگ هفتم نیز جذاب‌تر هم باشد. شکل آمدن مجیدی به استقلال در واقع بی‌شابهت به شکل حضور امیر قلعه‌نویی نیست. آن روزها نیز مدیران استقلال با انتخاب امیر خواستند به‌نوعی از مرحله گذار عبور کنند اما قلعه‌نویی هنرش را داشت که سرمربی استقلال شود. مجیدی نیز در شرایطی به استقلال آمده که هنوز نگاه‌ها متوجه رفتارهای استراماچونی است و شاید خیلی‌ها تصور می‌کنند عمر او نیز در استقلال کوتاه خواهد بود و آخر فصل فرهاد هم به سرنوشت منصوریان دچار می‌شود اما مجیدی اگر درست فکر کند، درست تصمیم بگیرد و سیاستمدانه قدم بردارد چه‌بسا همان سرنوشتی را پیش روی خود ببیند که امیر دید.

رسول پناه عنوان کرد:

دیگر نمی‌شود پرسپولیس را با روش‌های منسوخ شده مدیریت کرد!
سرپرست مدیرعامل باشگاه پرسپولیس گفت: دیگر نمی‌توان این باشگاه را با روش‌های منسوخ و بدون برنامه مدیریت کرد.

مهدی رسول پناه رئیس هیات مدیره پرسپولیس درباره دیدار اخیر هیات مدیره با پیشکسوتان و بزرگان پرسپولیس گفت: حمایت بزرگان این باشگاه، علی پروین، محمود خوربدین و حسین کلائی برای هیات مدیره و بنده دلگرم کننده است، قطعاً با راهم‌نایی این آنان مسیر مدیریتی باشگاه برای رضایت بیشتر هواداران و اعتدالی نام پرسپولیس روشن‌تر ادامه خواهد گفت: در این چند روز هیات مدیره بلافاصله امور اجرایی را عهده دار شد و هواداران به هیچ عنوان نگران امور باشگاه و وضعیت تیم نباشند وی ادامه داد: وظیفه ما حفاظت و نگهداری از سرمایه انسانی هواداران و سرمایه های مادی و معنوی باشگاه است و پرسپولیس را دیگر نمی‌توان با روش های منسوخ و بدون برنامه مدیریت کرد